



دانشگاه هنر اصفهان
دانشکده معماری
گروه معماری

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته معماری گرایش معماری

[طراحی مرکز گفت و گوی ادیان و مذاهب ایران]

استاد راهنما:
دکتر مهران قرائتی

اساتید مشاور:
آیت الله بیات زنجانی
دکتر مهدی بهنیافر

پژوهشگر:
سوسن بیات
شهریورماه ۱۳۹۰

اظهارنامه دانشجو:

موضوع پایان نامه: طراحی مرکز گفت و گوی ادیان و مذاهب ایران

استاد راهنما: دکتر مهران قرائتی

اینجانب سوسن بیات دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته معماری گرایش معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان به شماره دانشجویی ۸۷۱۱۴۰۵۲۰۳ گواهی می‌نمایم که تحقیقات ارائه شده در این پایان نامه توسط شخص اینجانب انجام شده و صحت و اصالت مطالب نگارش شده مورد تأیید می‌باشد و در موارد استفاده از کار دیگر محققان به مرجع مورد استفاده اشاره شده است. به علاوه گواهی می‌نمایم که مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی توسط اینجانب یا فرد دیگری ارائه نشده است و در تدوین متن پایان نامه چارچوب مصوب دانشگاه هنر اصفهان را به طور کامل رعایت کرده‌ام.

امضاء دانشجو:

تاریخ:

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از تحقیق، همچنین چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و اقتباس از این پایان‌نامه کارشناسی ارشد، برای دانشگاه هنر اصفهان محفوظ است. نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.



دانشگاه هنر اصفهان
دانشکده معماری و شهرسازی
گروه معماری

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته معماری گرایش معماری خانم سوسن بیات با عنوان:
[طراحی مرکز گفت و گوی ادیان و مذاهب ایران]

ارایه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم برای درجه‌ی کارشناسی ارشد که در تاریخ..... توسط هیأت داوران زیر بررسی و با نمره.....درجه..... به تصویب نهایی رسید

- ۱- استاد راهنمای اول پایان نامه آقای دکتر مهران قرائتی با مرتبه علمی امضا
- ۲- استاد مشاور اول پایان نامه آیت‌الله بیات زنجانی با مرتبه علمی امضا
- ۳- استاد مشاور دوم پایان نامه آقای دکتر مهدی بهنیاافر با مرتبه علمی امضا

مهر و امضای مدیر گروه

سپاسگزاری:
اساتید عزیزم آقایان
دکتر مهران قرائتی
دکتر مهدی بهنیا فر
و پدر بزرگوارم آیت الله بیات زنجانی

و دوستان عزیزم که در پیمودن این راه یاری ام نمودند:
زهره عرفانی زاده
عاطفه تقیلو
زهره متین
زلیخا بهرامی منش

تقديم به:

پدرم، مادرم

و

همه‌ی مردمان اهل گفت و گو

چکیده:

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امروز صاحبان ادیان بزرگ در جهان برقراری صلح و ایجاد رابطه بین پیروان ادیان است تا همه در کنار هم بتوانند بسیاری از مشکلات و سوء تفاهم‌ها که حاصل کنش و واکنش ملت‌های مختلف نسبت به بحث دین است و بعد از واقعه یازده سپتامبر شدیدتر شده است و سؤالات بسیار زیادی در رابطه با دین به بار آورده، را پاسخگو باشند؛ لذا برای نزدیکی به هم و تعامل فکری با یکدیگر بر اساس نظریات فیلسوفان هستی که بیش از دیگران به مسئله ضرورت و اهمیت گفت‌وگو در زندگی فردی و اجتماعی پرداخته‌اند، گفت‌وگو را برگزیده‌اند. مرکز گفت‌وگوی ادیان مکانیست برای تحقق این اهداف که مدتی است در سرتاسر جهان شروع به فعالیت کرده است.

در این پژوهش ضمن توضیح و تشریح اصل گفت‌وگو، با شناخت پنج دین پرطرفدار حال حاضر در ایران، به دلایل لزوم وجود فضایی برای گفت‌وگو میان ادیان و ارائه‌ی پیشنهاد برای معماری این مکان پرداخته شده است. به همین منظور سایتی در شهر اصفهان در مجاورت صائب تبریزی شاعری که شعرش زبان گفت‌وگویش بود انتخاب شده است.

هدفی که از این طراحی دنبال می‌شود، دستیابی به مجموعه‌ایست که بتواند در قالب یک کالبد یا فارغ از کالبد، برای گفت‌وگوی میان ادیان یا مذاهب مختلف با یکدیگر فضایی بهینه را مهیا کند. در روند رسیدن به ایده‌ی طراحی بعد از انجام مطالعات پیرامون ادیان این نتیجه حاصل شد که در مجموعه‌ی موردنظر هیچ دینی قصد غلبه بر دیگری را ندارد و همه‌ی ادیان در کنار هم هستند لذا با چنین طرحی فضای اختصاص یافته به هر یک به اندازه‌ی دیگری خواهد بود. و توجه به این امر در اولویت است که هر جز فضایی به خودی خود یک فضای گفت‌وگو است یعنی یک فضای سیال که گوشه گوشه‌اش می‌تواند هدف پروژه را دنبال کند. قرارگیری مناسب ایده‌ها در کنار هم، می‌تواند مجموعه‌ای را تشکیل دهد که به آنچه خواسته شده نزدیک باشد، یعنی فضایی بی‌طرف برای گفت‌وگو دینی.

کلیدواژه‌ها: ۱- گفت‌وگو ۲- دین ۳- بین‌الادیان ۴- طراحی

فصل اول

کلیات تحقیق

• مقدمه

از زمان یونان باستان که مکالمات سقراطی و محافل گفت‌وگوی فکری شکل گرفت، بسیاری از انسان‌ها به این باور رسیده‌اند که گفت‌وگو بهترین راه ارتباط فکری است و انسان موجودی ذی‌شعور است که می‌تواند از طریق زبان و بر پایه‌ی منطق به تفاهم برسد. (گاتری ۱۳۷۵) در طول تاریخ این مساله ذهن عالمان بسیاری را بخود مشغول داشته است. در روزگار ما فیلسوفان هستی، بیش از دیگران به مسئله ضرورت و اهمیت گفت‌وگو در زندگی فردی و اجتماعی پرداخته‌اند که در این میان می‌توان از دکارت، هابز، هیوم، دیلتای، بنتام، ملاصدرا، هوسرل، بوهر، هرشبرگ، راندل و... نام برد. (مرکز گفت‌وگوی ادیان ۱۳۸۶)

• بیان مسئله (تعریف موضوع پژوهش)

گفت‌وگو راهکاری برای ارتقای اندیشه‌هاست، لذا گروه مؤمنان به ادیان و مذاهب مختلف که دارای مشترکات هستند نیز می‌توانند از طریق زبان گفت‌وگو به آن اشتراکات دست یابند. (سوره نحل آیه ۱۲۵- سوره بقره آیه ۱۳۵) در بسیاری از موارد، هدف صاحبان ادیان مختلف از گفت‌وگو با یکدیگر، دستیابی به نقطه‌ای مشترکی برای تحقق صلح در جهان است. در چند دهه‌ی اخیر، پیروان بسیاری ادیان به دنبال راهی برای نزدیکی به هم و تعامل فکری با یکدیگر بوده‌اند. لذا از آنجا که کارشناسان دینی نیز تأثیر گفتمان را باور دارند، چنین نتیجه می‌گیرند که بسیاری از مشکلات و سوءتفاهم‌ها که حاصل کنش و واکنش ملت‌های مختلف نسبت به بحث دین است و بعد از واقعه یازده سپتامبر شدیدتر شده و سؤالات بسیار زیادی در رابطه با دین به بار آورده، می‌تواند از راه عقلانی و با بهره‌گیری از زبان گفت‌وگو حل شود. (ابطحی ۸۵)

طراحی مرکز گفت‌وگوی ادیان و مذاهب ایران به منظور شناخت ادیان و مذاهب زنده در کشور ایران که اسلام، مسیحیت، یهودیت، زرتشت و صابئی (جمعیتی حدود ۲۰۰۰۰ نفر هم اکنون در ایران پیرو این دین هستند) را شامل می‌شود؛ تفاوت‌ها، وجوه مشترک آنان و قرارگیری آنها در مسیر دستیابی به وحدت ملی مستلزم شناخت باورها، اصول و ارزش‌های بنیادینی است که هر یک از ادیان با تکیه بر آنها، هویت و وجود یافته‌اند و با ایجاد فضای گفت‌وگو می‌توان زمینه‌های این هم‌شناسی و همزیستی را بارور کرد. هر چند این باورها در برخی وجوه متفاوت است اما اشتراکات ادیان (بطور مثال وحدت) در سه بعد معنا، شکل و عملکرد، می‌تواند عناصر فضایی و گاهی هم کالبدی برای گفتمان ادیان و مذاهب را شکل دهد. در حقیقت، معماری می‌تواند وسیله‌ای باشد برای نیل به این هدف، یعنی خلق فضا در قالب یک کالبد یا فارغ از کالبد، برای گفت‌وگوی میان ادیان یا مذاهب مختلف با یکدیگر.

• اهمیت وجود مرکز گفت‌وگو در شهر اصفهان

اصفهان شهری است که از دیرباز شاهد همزیستی سه دین بزرگ اسلام، یهود و مسیحیت بوده است. این سه دین در گذر زمان همه‌ی ناملايمات را پشت سر گذارده‌اند و اکنون در کنار هم در محلاتی که به اندازه‌ی ساکنانشان اصیل هستند زندگی می‌کنند. و همان‌طور که گفته شد اصفهان نه فقط از لحاظ زیبایی‌های طبیعی بلکه از نظر هنری، مذهبی و نقش‌های سیاسی- اقتصادی و فرهنگی هم از اهمیت زیادی در گذشته و حال برخوردار بوده است؛ لذا با وجود چنین پیشینه‌ای جای چنین مکانی در آن خالی به نظر می‌رسد.

اصفهان بعنوان شهری که از دیرباز شاهد همزیستی سه دین بزرگ اسلام، یهود و مسیحیت بوده، به‌عنوان شهری تاریخی و باارزش، با جاذبه‌های توریستی فراوان که سالیانه با آغوش باز از مسافران داخلی و خارجی استقبال می‌کند، مکانی مناسب برای این پروژه محسوب می‌شود.

در شهر اصفهان چند محله با قابلیت اجرای چنین طرحی وجود دارد. اولی محله‌ی جلفا که محله‌ی اصیل مسیحی نشین است، دوم محله‌ی جوباره که محله‌ی اصیل یهودی نشین اصفهان بوده ولی متأسفانه در این چند دهه‌ی اخیر رو به فرسودگی نهاده و احتیاج به ساماندهی و باززنده‌سازی شدید دارد و شاید به این دلیل پتانسیل بالایی برای این کار داشته باشد و از طرف دیگر محله‌ی سوم محدوده‌ی خیابان صائب و آرامگاه صائب است که شهرداری اصفهان، خود به آن کاربری فرهنگی داده و به‌عنوان بافت قدیمی شهر اصفهان می‌تواند گزینه‌ای مناسب باشد، که از بین این سه بعد از مطالعات به عمل آمده، گزینه‌ی سوم، یعنی محدوده‌ی آرامگاه صائب برای طراحی در نظر گرفته شده است.

• پیشینه‌ی تحقیق

مرکز گفت‌وگوی ادیان ابتدا در سال ۱۳۶۹ در معاونت بین‌الملل وزارت ارشاد اسلامی تاسیس شد و بعدها در معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی کار خود را دنبال کرد. شروع گفت‌وگوهای مرکز بصورت نشست‌های دو جانبه با مسیحیت ارتودوکس و بعد کاتولیک ادامه یافت. اکنون بعد از گذشت چندین سال از فعالیت‌های این مرکز، علاوه بر برگزاری گفت‌وگوهای چند جانبه در کنفرانس‌ها و اجلاس بین‌المللی ادیان در جهان حضوری فعال دارد. تاکنون در کشورهای مختلف اماکنی با هدفی مشابه تحت عناوین مختلف فعالیت کرده‌اند. از جمله‌ی این اماکن می‌توان به نهاد "فرزندان ابراهیم" اشاره کرد که از سال ۲۰۰۴ برای ترویج گفت‌وگوی بین جوان مسلمان و جوان یهودی از طریق اینترنت ایجاد شد. همچنین "موسسه‌ی ادیان متحد" با هدف تشویق و ترویج همکاری منظم بین ادیانی است با هدف پایان دادن به خشونت‌ها و درگیری‌های دینی و یا موسسه‌ی بین‌الادیان الیجاه، مرکز تفاهم اسلام- مسیحیت، مرکز مطالعات و

تحقیقات ادیان و مذاهب، شبکه‌ی ندای مشترک بین‌الادیان برای صلح و عدالت و... که همگی با اهدافی مشابه به فعالیت مشغولند.

- اهمیت و ضرورت موضوع پژوهش

- خود موضوع یعنی وجود مرکز گفت‌وگو و امر گفت‌وگوی بین‌ادیانی امری بسیار مهم است، چرا که تعدد عقاید و آرا در نزد پیروان فرق مختلف موجبات سردرگمی بی‌شماری شده و از آنجا که این گفت‌وگو پیش‌نیاز صلح جهانی نیز محسوب می‌شود (خاتمی ۸۸) پس به خودی خود حائز اهمیت است.

- وجود یک فضا در قالب فضای معماری با امکانات و اختیارات لازم برای نیل به مهم‌ترین هدف تحقیق، یعنی فراهم آوردن امکان گفت‌وگو بین ادیان مخصوصاً ادیانی که برای عامه‌ی مردم کمتر شناخته شده‌اند، در شهر اصفهان امری لازم به نظر می‌رسد، چرا که انتظار می‌رود این مکان پاسخ‌گوی همزیستی بهتر از پیش صاحبان ادیان باشد.

- اهداف پژوهش

- ارائه‌ی راهکارهای کالبدی برای بارآوردن فعالیت‌های مرتبط با شناخت و معرفی و تعامل میان ادیان ایران.

- طراحی مکانی برای ایجاد فضای دوستانه‌ی گفت‌وگو.

- ایجاد مکانی جهت تشویق گفت‌وگو در راستای ایجاد همبستگی دینی در رهبران و پیروان ادیان بزرگ جهت رویارویی جمعی با سوء تفاهمات احتمالی.

- روش پژوهش: روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی است. یعنی پاسخ‌گوی یکی از نیازهای امروز شهر اصفهان بعنوان محل همزیستی ادیان مختلف در کنار هم خواهد بود. روش پژوهش از نظر روش، توصیفی است. یعنی (جمع‌آوری اطلاعات موجود پیرامون اصل مبحث گفت‌وگو بین ادیان، ضرورت آن و وظیفه‌ی معماری در قبال آن).

روش یافته‌اندوزی در روش گردآوری داده‌ها، روش کتابخانه‌ای (جمع‌آوری اطلاعات پیرامون مبحث گفت‌وگو و مخصوصاً ضرورت گفت‌وگوی میان ادیان، مطالعه‌ی موارد مشابه من جمله پایان‌نامه‌ها) است و روش‌های پویشی میدانی (مشاهده، صاحبه، تحلیل). روش تجزیه و تحلیل، کیفی است.

• فرآیند تحقیق (سیر اندیشه‌ای دستیابی به نتیجه تحقیق): جمع‌آوری اطلاعات و بررسی نمونه‌های موردی و مطالعات کتابخانه‌ای، انتخاب روش طراحی و پیشبرد پروژه با توجه به ایده و جلو بردن و گسترش آن تا رسیدن به مرحله‌ی نهایی و جواب‌گویی به تمامی نیازهای پروژه

• قلمرو مکانی پژوهش (جامعه‌ی آماری) شهر تاریخی اصفهان و صاحبان ادیان زنده در ایران به طور خاص مسلمانان، یهودیان، زرتشتیان، مسیحیان و صابئین است و قلمرو زمانی پژوهش اصفهان امروز، دهه‌ی ۹۰ است.

• محدودیت‌های پژوهش

در دسترس نبودن برخی از مراجع اصلی لاتین جهت مطالعه در ایران و ترجمه نشدن بیشتر آنها به زبان فارسی، محدودبودن اطلاعات پیرامون صاحبان دین صابئی به کتاب‌ها و اینترنت و نداشتن دسترسی مستقیم به آنان (محل زندگیشان در خوزستان و عراق است)، موضع‌گیری برخی صاحبان ادیان بنا به دلایل مختلف نسبت به هم.

• شرح واژه‌ها و اصطلاحات به کار رفته در پژوهش

گفت و گو: گفت‌وگو را مجموعه تلاش‌ها و اعمال مختلف بیانی، مبتنی بر عقل و فطرت انسانی، برای نزدیکی به حقیقت یک موضوع دانست در اینصورت است که می‌توان به آن امید بست. (بیگ زاده ۱۳۸۷)

دین: نوعی مشی و زندگی که بر پایه‌ی ایمان به خالق، معنادار بودن حیات و باور به حیات پس از مرگ و تسلط سنت ازلی بر عالم وجود استوار شده است. (حسینی ۱۳۸۱)

فصل دوم

مبانی نظری

با تقویت باور به ذی‌شعور بودن انسان و توانایی وی در ایجاد تفاهم از طریق زبان منطق اگر این باور تقویت شود که انسان موجودی ذی‌شعور است و قادر است از طریق زبان منطق به تفاهم برسد، آنگاه می‌توان بسیاری مشکلات را از راه گفت‌وگو حل نمود، البته به شرط آن که تعریف درستی از آن داشت. (بیگ زاده ۱۳۸۷)

۲-۱: تعریف گفت‌وگو

لغت Dialogue از دو واژه‌ی یونانی dia و logos گرفته شده است؛ که اولی به معنی «از طریق» و دومی به مفهوم «لغت» یا «معنا» است. دیالوگ یا گفت‌وگو «جریان داشتن معنا» است، بلکه از این هم فراتر است. کهن‌ترین معنی یعنی logos «با یکدیگر جمع کردن یا با هم گردآوردن» و حاکی از آگاهی ذاتی از روابط میان چیزها در دنیای طبیعی بود. در آن معنی، بهترین ترجمه logos به انگلیسی کلمه‌ی relationship (ارتباط) است «اگر یک گام به جلوتر رویم گفت‌وگو را می‌توانیم روندی بدانیم که طی آن مردم با هم فکر می‌کنند، بدین معنا که شما دیگر نمی‌توانید موضع خود را به عنوان موضع نهایی تلقی کنید.» (اسحاق ۱۳۸۰) تعریف جامع آن این است که گفت‌وگو را مجموعه تلاش‌ها و اعمال مختلف بیانی، مبتنی بر عقل و فطرت انسانی، برای نزدیکی به حقیقت یک موضوع دانست در اینصورت است که می‌توان به آن امید بست. (بیگ زاده ۱۳۸۷)

گفت‌وگو به معنای دقیق خود با مذاکره متفاوت است. یانکلوویچ (۱۳۸۱) به نقل از اثر «من و تو»ی مارتین بوبر اظهار می‌دارد «در یک گفت‌وگوی صادقانه و واقعی فرآیندی بسیار عمیق‌تر از یک مذاکره‌ی معمولی در جریان است. تعامل من-تو به طور ضمنی به معنی باز بودن طرفین در مقابل علایق و نگرانی‌های یکدیگر است. در چنین گفت‌وگویی «من» در حالی که با «تو» صحبت می‌کنم، به طور گزینشی دیدگاه‌هایی را که با آن مخالفم نادیده نمی‌گیرم. ذهن خود را به مرتب ساختن استدلال‌ها برای دادن جواب متقابل به «تو» مشغول نمی‌سازم. هرچند نیم‌نگاهی به آنچه باید به «تو» بگویم می‌اندازم، نظرات «تو» را کاملاً مدنظر قرار می‌دهم و به عمیق‌ترین شکل ممکن به آن‌ها می‌پردازم. هر یک از ما دیدگاه‌های طرف مقابل را جذب و هضم می‌نماییم تا تفاهم متقابل را افزایش دهیم.»

اعجاز گفت‌وگو در این است که واقعا احترام و پذیرش همدیگر را افزایش می‌دهد. مردم بدون گفت‌وگو با یکدیگر با ذهنیت کلیشه‌ای برخورد می‌کنند، به نحوی که این امر مانع از تفاهم و درک متقابل می‌گردد. با گفت‌وگو، ذهنیت‌های کلیشه‌ای از بین می‌رود و جای آن را حسن‌نیت و تفاهم عمیق‌تری می‌گیرد. پس می‌توان گفت گفت‌وگو یک راه‌حل است؛ و راه‌حلی برای تمرکز بر مشکلات ناشی از زندگی جمعی و حتی فردی. دانش علمی با تمام قدرت و قوتش در اینجا

پاسخگو نیست. اما گفت‌وگو می‌تواند کمک کند تا حقایق زندگی با کمک یکدیگر کشف شود؛ به شرطی که الگوی رایج حقیقت و خردمندی دگرگون شود. (یانکلویچ ۱۳۸۱)

۲-۱-۱: پیشگامان گفت‌وگو

گفت‌وگو پیشینه‌ای طولانی دارد؛ از همان هنگام که بشر سخن گفتن را فرا گرفت با گفت‌وگو آشنا بود. مشهورترین گفت‌وگو که سابقه‌ی آن به آغاز تاریخ فلسفه باز می‌گردد، دیالوگ‌های سقراط با هم‌نشینان و شاگردانش در یونان است، که روایتی از آن را در آینه‌ی آثار افلاطون به خوبی دیده می‌شود. (جعفرنژاد ۱۳۸۶)

برخی الگوهای گفت‌وگو را می‌توان در جمله‌ی صناعات و هنر در زمان یونانیان باستان برشمرد از این رو، دیالوگ‌های سقراطی کوششی برای شکل بخشیدن به اندیشه و احساس او در برخورد با جهان پیرامون و زندگی اجتماعی بود که پس از مرگ او منشأ پیدایش گرایش‌های فکری و فلسفی متعددی شد که وجه مشترک آنان، قرار دادن موضوعی به صورت پرسش و پاسخ یا مکالمه و مباحثه دو طرفه یا در میان چند نفر بود. (همان) سقراط معتقد بود بزرگ‌ترین شادی‌هایش در آن است که هر روز از فضیلت گفت‌وگو کند؛ در خود و در دیگران به تفحص پردازد؛ زیرا وجودی که مورد آزمایش و بررسی دقیق قرار نگیرد شایسته‌ی آدمی نیست. (دورانت ۱۳۶۵) وی با پرسش‌های پیاپی، مخاطب خود را به سوی تعریفی کامل‌تر و درست‌تر راهبری می‌کرد و آن را از درون خود او بیرون می‌کشید و یا به عبارت بهتر «مامایی» می‌کرد. وی با تحقیق در اموری خاص و مجزا به نظری کلی می‌رسید و با این کار تا حدودی روش استقرایی را در منطق یونان آورد (همان). افلاطون سقراط را پدر دیالکتیک می‌خواند و معتقد است از نظر سقراط هیچ‌کس به تنهایی به حقیقت نمی‌رسد، لذا احتیاج به همراه یا همراهانی در گفت‌وگو دارد. به همین دلیل است که سقراط اثر مکتوبی ندارد چون تاثیر دیالوگ را بیشتر می‌داند. (گاتری ۱۳۷۵) «سقراط، پدر گفت‌وگو، معتقد بود که شخص، زمانی مهیای استفاده از گفت‌وگو می‌شود که به جهل خویش پی ببرد. این نکته سقراطی در جهان مدرن از وضوح و قوت بیشتری برخوردار شده است». (پایا ۱۳۸۱) بنابراین روش سقراط به نوعی دیگرشناسی و بازتاب دادن آن در خودشناسی است. پس حداقل نزد سنت یونان باستان، برای رشد فکر و خرد آدمی، زمینه‌ای بهتر از گفت‌وگو نیست. گفت‌وگو، افکار و اندیشه‌ها را تشویق می‌کند که با شک آغاز کنند و به یقین بیانجامند یا با جزم آغاز کنند و به مدارا برسند. (جعفرنژاد ۱۳۸۶)

افلاطون، برجسته‌ترین شاگرد سقراط نیز به پیروی از استاد، روش گفت‌وگو را برگزید و تمامی عقاید خود را به صورت گفت‌وگو نگاشت. «در تمامی این گفت‌وگوها سقراط به عنوان چهره‌ی اصلی ظاهر می‌شود. افلاطون حتی - درست یا نادرست - دیدگاه‌های خود را به زبان سقراط ارائه می‌کند». (همان) در نظر افلاطون، هنر گفت‌وگو یعنی پرسیدن و پاسخ

گرفتن و توانایی دادن تعریف یک چیز به دیگری و گرفتن تعریف درستی از آن، تنها راه رسیدن به زیبایی مطلق و وقوف به حقیقت بود. جعفرنژاد (۱۳۸۶) به نقل از «جمهوری» افلاطون می‌گوید: «هنگامی که هر کسی به وسیله دیالکتیک بکوشد که از راه استدلال عقلی و جدا از همه ادراک‌های حسی، راه خود را به سوی چیستی (ماهیت) هر چیزی بیابد و دست برندارد، تا این که به وسیله‌ی خود تعقل، ماهیت خبر را دریابد، به غایت آنچه معقول است برسد». افلاطون در تمام حیاتش به کلمات نوشته شده، به ویژه رساله‌ی رسمی فلسفی، بدگمان بود. آموزش‌های او کاملاً شفاهی بود. او همواره بیان اندیشه را در قالب نوشته، به دیده تحقیر می‌نگریست؛ زیرا به نظر او «نوشته هرگز نمی‌تواند میان دو کس پیوندی راستین برقرار کند و آن لحظه ناگهانی را که جرقه حقیقت در آن پدیدار می‌شود، با خود بیاورد» بلکه این مهم از گفت‌وگو و مفاهیم حاصل می‌شود. (جعفرنژاد ۱۳۸۶)

افلاطون در رساله‌ی «نامه‌ی شماره هفت»، ناتوانی خود را در فهماندن فلسفه خویش از طریق نوشته و سخنرانی بیان می‌کند و یادآور می‌شود این موضوع، برخلاف دیگر علوم، با الفاظ و کلمات قابل انتقال نیست؛ بلکه بعد از شرکت طولانی در امر گفت‌وگو ناگهان نوری روشن می‌شود، شعله‌ای برمی‌خیزد و به روح می‌رسد و پس از آن خود را تغذیه می‌کند. بنابراین او هیچ‌گاه کلمه‌ای درباره‌ی این موضوعات نوشته است، نه رساله‌ی نوشته‌شده‌ای از افلاطون هست و نه هرگز خواهد بود؛ آنچه اکنون نامی در بر دارد متعلق است به سقراط، آن سعید جاوید و زنده‌باد. (کاپلستون ۱۳۸۶) با توجه به نوشته‌های افلاطون می‌توان چنین نتیجه گرفت که پایه و اساس رسیدن به حقیقت، در واقع ارتباط است. انسان در یک زندگی جمعی نیازمند پیوند خوردن و برقراری ارتباط با دیگران است و گفت‌وگو می‌تواند یکی از موثرترین این روش‌های ارتباطی باشد.

در روزگار ما فیلسوفان هستی، بیش از دیگران به مسأله‌ی ضرورت و اهمیت گفت‌وگو در زندگی فردی و اجتماعی پرداخته‌اند. در بین این متفکران می‌توان بجز سقراط، افلاطون (پیشگامان) از سن آگوستین، دکارت، هابز، هیوم، دلتای، بنتام، ملاصدرا، هوسرل، پوپر، هرشبرگ، راندل، تنوبالد و فلاطوری و سیدحسین نصر نیز یاد کرد. (همان) سیدحسین نصر، محقق ادیان جهانی و جزو موسسین انجمن حکمت و فلسفه در کتاب آرمان‌ها و واقعیات اسلام بطور غیرمستقیم این پرسش را مورد بحث قرار می‌دهد که چگونه مسلمانان و اسلام می‌توانند جایی برای واقعیت موجود ادیان دیگر، جایی در جهان‌بینی خود باز کنند. (اصلان ۱۳۸۵)

دغدغه‌ی ایجاد گفت‌وگو بین ادیان بزرگ و رفع سوءتفاهم میان ادیان وحیانی، از مدت‌ها پیش در بین اندیشمندان در ایران نیز به چشم می‌خورده است؛ شاید اگر عبدالجواد فلاطوری بنحوی پیشاهنگ گفت‌وگوی ادیان در ایران پس از مشروطه تلقی شود اغراق نباشد. دکتر فلاطوری استاد اسلام‌شناسی دانشگاه هامبورگ و کلن بود. او نقش بسیار مهمی را در جهت

شناسایی شیعه به غرب به عهده داشت. وی در سال ۱۹۷۳ بعد از گرفتن پروفیسوری فلسفه، ۴۰۰۰ جلد کتاب شیعی به آلمان برد و چند سال پس از آن آکادمی علوم اسلامی را با هدف گفت‌وگوی دوجانبه بین غرب مسیحی و شرق اسلامی تاسیس نمود. از جمله اقدامات موثر دیگر وی تصحیح کتب درسی و رفع سوء تفاهات نسبت به اسلام بود.

فلاطوری عقیده دارد رویارویی ادیان و فرهنگ‌ها انکارناشدنیست، زیرا نظریه‌های جدید در طول تاریخ در نتیجه‌ی همین رویایی‌ها بوجود آمد. بدون مواجهه با عناصر فرهنگی یونان باستان، بی‌تردید مراکز علمی در خاورمیانه شکل نمی‌گرفت؛ بدون آشنایی با مسیحیت، مفهوم یکپارچگی و وحدت مغرب زمین به مثابه وجه تمایز آن با مشرق زمین، معنایی نمی‌داشت. بدون برخورد با چین مغربی، فرهنگ اسلامی، هستی نمی‌یافت و بدون آشنایی با فرهنگ اسلامی، رنسانس اروپا پدید نمی‌آمد و سرانجام بدون تلاقی سرزمین‌های شرقی با مغرب زمین و تمدنی با چنین پیشینه‌ی فرهنگی، ظهور عصری جدید در سرتاسر جهان و برای تمام بشریت ممکن نمی‌گردید و در اغلب این موارد، این تلاقی‌ها ناخودآگاه بود. (همان)

۲-۲: دین

وقتی صحبت از دین به میان می‌آید طبیعی است که شناسایی یک سری باورها و یک نوع جهان‌بینی و هستی‌شناسی و غایت و آرمانی برای زندگی و حیات لازم می‌آید که بسته به ماهیت آن دین مورد نظر، با تغییراتی قابل توضیح هستند. جملگی این موضوعات بر فعالیت‌های انسان و از جمله هنر او نیز اثر می‌گذارند. می‌توان گفت دین عبارت است از نوعی مشی و زندگی که بر پایه‌ی ایمان به خالق، معنادار بودن حیات و باور به حیات پس از مرگ و تسلط سنت ازلی بر عالم وجود استوار شده است. در این ترتیب دین اساساً به باطن و ملکوت هر شیء و هر عملی در جهان متوجه بوده و ظاهر و ماده را تجلی آن اصل باطنی می‌داند. (تقی‌زاده ۸۲) در واقع دین یعنی آن جنبه از تجربیات و افکار و احساسات یک فرد که بوسیله‌ی آن کوشش می‌کند که در ارتباط با آنچه خود مقدس و الهی می‌شمارد، یعنی قدرت بسیار بالای متعالی و باارزشی که جهان را کنترل می‌نماید، زندگی کند. اهمیت دین در زندگی بشر به حدی است که حتی برخی معتقدند که از جمله وجوه امتیاز بشر آنگونه که تصور می‌شود منطبق نیست، بلکه دین است. (حسینی ۱۳۸۱)

چیست دین برخاستن از روی خاک تا که آگه گردد از خود جان پاک (اقبال لاهوری)

ادیان را می‌توان از جنبه‌های گوناگون دسته‌بندی نمود؛ مانند:

- ادیان ابتدایی (مانند آنچه میان ادیان ابتدایی دیده می‌شود)

- ادیان قدیم (مانند آیین‌های منقرض شده خاورمیانه)

- ادیان پیشرفته (مانند ادیان بزرگ کنونی)
- ادیان ساده (مانند آئیمیس، توتیس، فیشیس)، ادیان فلسفی (مانند هندوئیسم، بودیسم و آئین کنفوسیوس) و ادیان وحیانی (مانند زرتشتی، یهودیت، مسیحیت و اسلام)
- ادیان غیر توحیدی (مانند هندوئیسم، بودیسم و شینتو) و ادیان توحیدی (مانند یهودیت، مسیحیت و اسلام و حتی دین زرتشت) ادیان آسمانی به طور معمول توحیدی هستند، یعنی دعوت به پرستش خدای یگانه کرده‌اند و در واقع باید گفت این ادیان همه در اصول یکی هستند و تفاوتی اگر به نظر می‌رسد در روش آن‌هاست. (بیات زنجانی ۱۳۹۰)
- ادیان سامی (مانند یهودیت و مسیحیت و اسلام)
- ادیان آریایی (مانند ادیان ایران باستان، هندوستان، روم و یونان قدیم)
- ادیان خاور دور (مانند آیین کنفوسیوس، تائوئیسم و شینتو) ... (توفیقی ۱۳۸۱)

یکی دیگر از تقسیم‌بندی‌های رایج دین، تقسیم آن به زنده و غیرزنده است. در واقع منظور از ادیان زنده ادیانی است که هم‌اکنون دارای پیروانی در جهان است و ادیانی که به هر دلیلی کنار گذاشته شده و یا به دست فراموشی سپرده شده‌اند را ادیان مرده می‌نامند. ادیان غیرزنده و به اصطلاح ادیان مرده مانند ادیان مصر قدیم در افریقا، ادیان مکزیکی و پروی باستان در امریکا، ادیان قدیم بابل و آشور متعلق به اقوام فینیقی و اقوام هیتی، ادیان میترایی و مانی در آسیای صغیر، ادیان یونان و روم باستان و ادیان اقوام سلت و تیوتونی اروپا از این دسته‌اند. برای ادیان زنده نیز می‌توان از دین مسیحیت، اسلام، یهودیت، هندویی، تائویی، بودایی، ادیان جایی (جینی)، کنفوسیوسی، زرتشتی، صابئی و سیک نام برد. (هیوم ۱۳۸۵)

۲-۱: وضعیت اقلیت‌های دینی در ایران

ایران تا قبل از ورود اسلام با آنکه ادیان مسیحیت و یهودیت هم پایه‌گذاری شده بود، بیشترین پیروان دین زرتشت را دارا بود. درصد بالایی از جمعیت، پیروان دین زرتشت بودند و بقیه‌ی ادیان به عنوان اقلیت نام برده شدند و با ظهور اسلام و گرویدن ایرانیان به این دین، سایر پیروان ادیان اقلیت شمرده شدند.

۲-۱-۱: وضعیت اقلیت‌های دینی در دوران باستان

شاید به دلیل فضای دینی خاص بوده و یا شرایط سیاسی حاکم در ایران باستان که اخبار زیادی از وضعیت مذهب آن زمان در دسترس نیست، ولی بر اساس مشاهدات بنظر می‌آید در کل پیروان ادیان در وضعیت نسبتاً خوبی بسر می‌برده‌اند. به